



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری

سال ششم، شماره‌ی ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

صفحات ۱۷۰-۱۵۵

حق بر گردشگری و حقوق گردشگران خارجی از منظر حقوق بین‌الملل^۱

امیرمقامی^۲

میترا درودگر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

حقوق بین‌الملل هنوز فاقد مقررات الزام‌آور در حوزه گردشگری است اما می‌توان از قواعد عام و نرم مرتبط با حقوق بیگانگان و گردشگری، قواعد و اصولی را استخراج نمود که در حقوق گردشگری نیز قابل استناد باشد. پژوهش تحلیلی - توصیفی حاضر نشان می‌دهد مفهوم حق بر تفریح که در اسناد حقوق بشر شناسایی شده است؛ توسعه یافته و شامل حق بر گردشگری نیز می‌شود، اما ورود به سرزمین دولت غیرمتبوع، مستلزم رعایت ملاحظات داخلی آن کشور است که باید بدون هرگونه تبعیض اعمال شود. اصل رفتار متقابل تا جایی که به نقض حقوق بنیادین منجر نشود، اصل آزادی و استثنا تلقی شدن محدودیت ورود اتباع خارجی در چارچوب حق آزادی رفت و آمد، بر استدلال‌های مربوط به اثبات حق گردشگری افزوده است. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل موجود گردشگر را به عنوان بیگانه و فارغ از معاهدات دوجانبه حمایتی، موضوع و مستحق حقوق بنیادین بشری می‌داند که با ابزارهایی چون دسترسی کنسولی و حمایت دیپلماتیک، تأمین می‌گردد. برخی حقوق مرتبط با گردشگری نیز توسط دولت میزبان باید تضمین شود و مؤسسات خدمات مسافرتی نیز نقش مهمی در رعایت این حقوق دارند. این حقوق عمدتاً در کد جهانی اخلاق گردشگری و پیش‌نویس کنوانسیون اخلاق گردشگری مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: حق بر گردشگری، حقوق بنیادین، حقوق گردشگر خارجی، تبعه بیگانه، حاکمیت دولت میزبان.

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی با عنوان "تحلیل حقوق گردشگران خارجی از منظر حقوق بین‌الملل" می‌باشد.

^۲ نویسنده مسئول: استادیار دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان (amir.maghami@live.com)

^۳ کارشناس ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان

مقدمه

دستیابی به توسعه کارآمد در حوزه فعالیت گردشگری مستلزم توجه به تمامی ابعاد فعالیت گردشگران، از جمله ابعاد حقوقی است که دارای روند پیچیده و سیستماتیک می باشد. برای این منظور باید ابتدا تعریف از گردشگری و گردشگر ارائه شود که با توجه به رویکرد حقوقی این پژوهش، تعاریف را باید از منظر نهادها و سازمانهای حرفه‌ای بین‌المللی استخراج کرد. مطابق تعریف سازمان جهانی گردشگری^۱، «گردشگر کسی است که به کشور و شهری غیر از محیط زندگی معمولی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نباشد سفر کند و قصد او از سفر تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، کسب و کار، ماموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، معالجه مطالعه و تحقیق یا فعالیت‌های مذهبی باشد.» با توجه به این تعریف باید گفت، این صلاحیت لازمه ذات انسان بوده و جزء لاینفک او محسوب می شود و از این جهت در بسیاری از جوامع امروزی این امتیاز یا حق مسافرت بعنوان یکی از حقوق اساسی بشر در کنار سایر حقوق اساسی مانند حق حیات و حق آزادی برای او به رسمیت شناخته شده است (اسدزاده و خلیلی، ۱۳۹۴). گردشگر خارجی به منظور اهدافی چون بازدید، تفریح، درمان، زیارت یا هر هدف دیگر، به عنوان تبعه بیگانه به کشوری وارد می شود و مبالغ زیادی از ارزی که جهانگردان خرج می کنند، عاید کشور میزبان می گردد (گی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۴). گردشگری همراه با سفر (کیان‌مهر، ۱۳۷۲؛ نوری، ۱۳۷۵) است و با تفریح و سرگرمی ملازمه دارد. (تودارو، ۱۳۶۴) تحقق گردشگری، مستلزم شبکه‌ای منسجم از خدمات تسهیل‌کننده است (گی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۴) که شامل نظام حقوقی مناسب است، تا بتواند «گردشگر» را جذب کند.

بیان مسأله

سازمان جهانی گردشگری در تعریفی دیگر از گردشگر این طور بیان می کند: «تمام افرادی که کشور خود را به قصد کشور دیگری ترک و کمتر از یک سال در خارج اقامت نموده و برای هزینه اقامت خود هیچ گونه درآمدی در کشور مورد بازدید نداشته باشند، گردشگر شناخته می شوند.» (خدابخش و زمانی، ۱۳۹۵: ۳) از جمع تعاریف ارائه شده می توان برای گردشگر، سه ویژگی اصلی در نظر گرفت. مدت زمان مسافرت، فاصله مکانی و انگیزه و اهداف مسافرت.

هدف این تحقیق، ارائه تحلیلی از ماهیت و چگونگی تحقق «حق بر گردشگری» است که باید در ارتباط با تضمین و رعایت «حقوق گردشگر» در کشور میزبان تحلیل شود. برای این منظور، ابتدا به تشریح حق بر گردشگری پرداخته و سپس، حقوق گردشگر به عنوان تبعه بیگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پارادایم حاکم بر این پژوهش و منظرگاه آن نیز حقوق بین‌الملل است. بنابراین چنانچه در این چهارچوب، حقی برای گردشگر خارجی مورد شناسایی قرار گیرد، هر دولت متعهد

^۱ World Tourism Organization (UNWTO)

خواهد بود قوانین و سازوکارهای مناسب جهت تحقق آن فراهم آورد. با توجه به موارد مطرح شده و اهداف تحقیق، این پژوهش بدنبال پاسخ به سوالات زیر است:

آیا در حقوق بین الملل طرح جامع استانداری برای تأمین حقوق گردشگر خارجی به نحوی که تضمین کننده حقوق دینفعان دیگر نیز باشد وجود دارد؟ در صورت وجود چنین استانداری جهانی آیا گردشگران خارجی در سراسر جهان از حقوق مشابهی برخوردارند؟ آیا حق شهروندی به عنوان مصداق عملی از حقوق بشر برای گردشگران خارجی می‌تواند تضمین کننده حقوق آنها باشد؟

پیشینه تحقیق

پریسا میرعلی محمدی (۱۳۹۴) در بررسی حقوق گردشگری با تأکید بر حقوق بشر به این مطلب اشاره می‌نماید که در اسناد بین المللی، گردشگری به عنوان حقی ذاتی، فطری و اساسی شناخته می‌شود چنانچه در حقوق بشر، در پرتوی حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از امنیت، حق آزادی رفت و آمد، به رسمیت شناخته شده است. تأسیس سازمان جهانی گردشگری از اقدامات مثبت سازمان ملل در راستای شناسایی حقوق و تکالیف گردشگران بوده است. لکن به نظر می‌رسد برای دستیابی به یک پشتوانه و ضمانت اجرای محکم و الزام آور بایستی حقوق مربوط به گردشگران به صورت صریح و شفاف در حقوق داخلی کشورها نیز شناسایی شود همانگونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره گردیده برای معتبر دانسته شدن حقوق، بایستی حمایت قانونی از آن صورت گیرد تا در صورت پیمان شدن آن، ضمانت اجرایی وجود داشته باشد و مسئول جبران خسارت معلوم باشد.

ابوالحسن شاکری و سید بهامین بابایی شاهان دشتی (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر جهل بر مسئولیت کیفری گردشگر خارجی به این مطلب اشاره می‌نمایند که در مورد جرایمی که به صورت اعتباری می‌باشند و در هر کشوری به صورتی متفاوت قانون گذاری شده اند، اگر تحصیل علم گردشگر خارجی عادتاً امکان پذیر نباشد، ادعای جهل وی به قوانین کیفری پذیرفته خواهد شد.

رضا خدابخش و جواد زمانی (۱۳۹۵) به بررسی ماهیت و جایگاه حقوق گردشگری در رابطه با سایر حوزه های حقوق پرداخته و بیان می‌دارد ماهیت حقوق گردشگری باعث شده است که بر خلاف تقسیم بندهای سنتی موجود در علم حقوق، نتوان این شاخه از حقوق را به طور مطلق به عنوان زیر مجموعه ای از رشته حقوق عمومی و یا خصوصی تلقی نمود، به همین دلیل است که حقوق گردشگری ماهیت دو گانه به خود گرفته و دارای مشترکات فراوانی با سایر شاخه های حقوق می‌باشد فلذا به هنگام مطالعه مباحث مربوط به حقوق گردشگری علی الاصول نیازمند به استفاده از قواعد حاکم بر سایر شاخه های حقوق نیز می‌باشیم.

روش و ساماندهی تحقیق

روش تحقیق حاضر به سان دیگر پژوهش‌های حقوقی، تحلیلی - توصیفی است. لذا ضمن مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، مبانی حقوقی و قواعد و اصول حاکم بر موضوع به بحث گذاشته شده و در یک چارچوب مفهومی متعارف این رشته و با روش استدلال منطقی حقوقی، نتایج مقتضی از مباحث بر مبنای اصول و قواعد مندرج در اسناد قانونی - اعم از اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور - استخراج شده است. برای این منظور، ابتدا دیدگاه‌های مرتبط با حقوق گردشگر خارجی از منظر حقوق بین‌الملل به بحث گذاشته شده و ارتباط میان حق گردشگر برای گردشگری و حاکمیت دولت‌ها و نیز اصول حقوق بین‌المللی که می‌تواند بر چارچوب قواعد، حاکم باشد؛ با رویکرد حقوق بشری مطرح شده است. بر اساس همین مبانی نیز حقوق گردشگر خارجی هم به عنوان یک بیگانه (به طور کلی) و هم به عنوان گردشگر، تشریح شده است.

مبانی نظری: دیدگاه‌های مرتبط با حقوق گردشگر خارجی در حقوق بین‌الملل

حداقل دو دیدگاه اساسی درباره حقوق گردشگر خارجی وجود دارد. نخست دیدگاه مبتنی بر تفاوت اساسی و ماهوی بین حقوق اتباع کشورها و گردشگران خارجی است که بر این مبنا استوار است که «هیچ قانون و شریعتی همه حقوقی را که برای تبعه خود به رسمیت می‌شناسد برای جهانگردان خارجی به رسمیت نمی‌شناسد چراکه اولاً جهانگرد رهگذری است که مدت کوتاهی در کشور اقامت دارد و نیازی به آن حقوق ندارد. ثانیاً اعطای آن همه حقوق وظایفی را نیز دنبال دارد که وی از عهده آنها بر نمی‌آید. ثالثاً اعطای آن همه حقوق به جهانگردان به مصلحت جامعه نمی‌باشد و چه بسا مفاسدی را به همراه داشته باشد» (حاجی زاده و همکاران، ۱۳۹۲). این دیدگاه به طور کلی بر مبنای رویکردهای کلاسیک در حقوق بین‌الملل خصوصی و قائل به تمایز بنیادین میان اتباع داخلی و خارجی است. نقطه مقابل این دیدگاه، دیدگاهی مبتنی بر حقوق بشری بنیادین است که بر اساس آن حقوق بشر بنیادینی وجود دارد که همه افراد بایستی از آن برخوردار باشند. معاهدات حقوق بشر بر این موضوع دلالت دارد که حقوقی از قبیل حق محاکمه عادلانه، آزادی‌های سیاسی و حمایت‌های برابر به همه افراد بدون توجه به ملیت آنها تعلق دارد. هر صاحب نظر حقوق بین‌الملل در پاسخ به این شبهه بر این باور است که اعلامیه جهانی حقوق بشر همه این افراد چه اتباع داخلی و هم اتباع بیگانه را در این حقوق ذیحق می‌داند (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸: ۷۱). مستنبط از اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط حقوق بشر، هر دولتی متعهد است بهره‌مندی از حقوق بنیادین را برای همه افراد «تحت صلاحیت» خود تضمین نماید. بدین ترتیب، حق حیات، حق عدم توقیف مستبدانه و شکنجه، حق محاکمه عادلانه در دادگاه، حق آزادی فکر، عقیده، مذهب و بیان بدون تمایز از حیث تابعیت به همه افراد تعلق می‌گیرد. صرفاً تنها حقوق مدنی و سیاسی که حقوق بین‌الملل برای شهروند و غیر شهروند تمایز قائل شده است در دو مورد

حق رأی و حق کاندیدا شدن برای انتخابات است (زادویداس ، ۲۰۰۱ : ۶۹۳). "اکنون، حقوق بین‌الملل تمایز اساسی در بهره‌مندی از حقوق و آزادیهای بنیادین را میان اتباع داخلی و خارجی برنمی‌تابد و عملاً با توسعه تعهدات حقوق بشری دولت‌ها که از پشتوانه رویه قضایی بین‌المللی نیز برخوردار است، عبور یا حضور، بیگانه یا تبعه بودن مانع بهره‌مندی از این حقوق نخواهد شد. برای جذب گردشگر به سفر کردن بایستی امنیت جانی و مالی و حقوق این افراد مورد حمایت قرار گیرد تا بدون دغدغه مقاصد مورد نظر خود را از جابه‌جایی‌ها تأمین کنند. حال تسری این حمایت‌ها به حقوق بشر موجب به رسمیت شناختن مسئولیت دولت‌ها می‌شود که ضمانت اجرایی در قبال حقوق و آزادی‌های گردشگران است و اینگونه اسباب بروز توسعه پایدار و پیشرفت فرهنگی و اقتصادی ملل مهیا می‌شود. در بخش دیگر این مقاله به طور مفصل‌تری ابعاد مختلف این حقوق بنیادین تشریح خواهد شد.

حق بر گردشگری و حاکمیت دولت میزبان

طراحان اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به این نکته توجه کرده‌اند که برای تجربه کامل انسان بودن، خودساختگی و رفتار بهتر با دیگران، افراد نیازمند وقفه و زمان بیکاری می‌باشند. شناسایی حق تفریح و فراغت ابتدا به عنوان یکی از حقوق ضروری کارگران و سپس به منظور تضمین سلامت، خودشکوفایی و رشد عقلانی، روانی، معنوی و اخلاقی کودکان مطرح شد. اکنون توسعه این حق که در ماده ۲۴ اعلامیه جهانی^۱ و ماده ۷ میثاق^۲ پذیرفته شده است، برای خودسازی و بازپروری سایر اقشار جامعه و تأمین منافع عمومی مطرح می‌شود (ریچارد و کاربونایت ، ۲۰۱۲ : ۹)

طبق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد دولت‌ها متعهد به تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد تحت صلاحیت خود می‌باشند و در بند ۲ ماده ۲ میثاق، کشورها متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض تضمین نمایند. در اینجا واژه تضمین شامل قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های داخلی در راستای تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و تأمین آن نیازمند بکارگیری تدابیری است که متکی به آرمان‌هایی همچون نوع دوستی، همدلی و همنوایی و با آمیزه‌ای از همزیستی، همبستگی و مسئولیت باشد (هاشمی ، ۱۳۸۴ : ۴۶۶). در عین حال ایجاد وفاق میان دولت‌ها به دوش سازمانهای جهانی و بین‌المللی عام می‌باشد که در حوزه گردشگری سازمان جهانی گردشگری متصدی این فرایند است.

¹ Article 24 of UDHR: "Everyone has the right to rest and leisure including reasonable limitation of working hours and periodic holidays with pay".

² Article 7(d) of ICESCR: "rest, leisure and reasonable limitation of working hours and periodic holidays with pay..."

علیرغم فقدان سندی مستقل دال بر حق گردشگری، برخی اسناد غیرالزام‌آور پشتوانه تفسیر توسعه‌گرایانه ماده ۷ میثاق شده‌اند. اعلامیه مانیل در مورد گردشگری جهانی (۱۹۸۰)^۱ با تأکید بر ابعاد واقعی و انسانی جهانگردی، نقش جدید جهانگردی را به عنوان وسیله مناسبی برای ارتقاء کیفیت زندگی همه انسانها و نیروی حیاتی برای صلح و تفاهم بین‌المللی می‌شناسد و مسئولیت دولت‌ها را برای توسعه جهانگردی بویژه افزایش آگاهی عمومی مردم جهان در مورد این صنعت تشریح می‌نماید. برابر این سند تمهید منابع توریسم به عنوان میراث بشریت با نگاهی بر ایجاد نظم اقتصادی بین‌الملل به عنوان نتیجه طبیعی حق شغل، حق استراحت، اوقات فراغت با حقوق و سفر آزادانه برای تحصیلات و تفریح و استفاده از بهره‌مندی‌های توریستی در خارج از کشور محل اقامت داشته است و از کشورها می‌خواهد نسبت به به‌گنجاندن این کد در قوانین و مقررات خود اقدام نمایند.^۲

سازمان جهانی گردشگری^۳ که از مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد است، به عنوان بزرگترین تشکیلات جهانگردی جهان، جانشین اتحادیه بین‌المللی سازمانهای رسمی مسافرت^۴ است. ماده ۳ اساسنامه این سازمان به اهدافی نظیر تشویق و توسعه گردشگری به منظور مشارکت در توسعه اقتصادی، تفاهم بین‌المللی، صلح، کامیابی، احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تبعیض از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا دین اشاره کرده است.^۵ ماده ۱۰ پیش‌نویس کنوانسیون اخلاق گردشگری (از این پس: پیش‌نویس)^۶ که توسط این سازمان تدوین شده است صراحتاً به «حق بر گردشگری» در چارچوب ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد و آن را از اقتضات تضمین دسترسی گسترده به تفریح میداند که باید توسط مقامات عمومی مورد حمایت قرار گیرد. برابر بند چهارم این ماده گردشگری خانواده، جوانان، دانشجویان، نوجوانان و گردشگری افراد دچار معلولیت باید تقویت و تسهیل شود. ماده ۷ «کد جهانی اخلاق گردشگری» (UNWTO, 1999) که پیش از این توسط سازمان تصویب شده بود نیز بر «حق گردشگری» صحه می‌گذارد. در اسناد اجلاس آکاپولکوی این سازمان (۱۹۸۲) نیز تأکید شده بود که دولت‌ها باید در راستای اجرای مفاد اعلامیه مانیل در خصوص حق آزادی رفت و آمد تلاش نمایند و از سازمان جهانی گردشگری حمایت لازم را به جا آورند. (تجربشی، ۱۳۹۴). از نکات مهم موجود در این اسناد که دولت‌ها می‌توانند با استفاده از آن تمهیداتی فراهم سازند تدارک تعطیلات و سفر درون مرزی و برون مرزی و فراهم ساختن بهترین

¹ MANILA DECLARATION ON WORLD TOURISM

² <http://www.e-unwto.org/doi/pdf/10.18111/unwtodeclarations.1980.6.4.1>

³ World Tourism Organization (UNWTO)

⁴ International Union of Official Travel Organizations (IUOTO)

⁵ Statute of the World Tourism Organization, 1970.

⁶ Framework Convention on Tourism Ethics, Version: 4, 17 March 2017, available at: <http://cf.cdn.unwto.org/sites/all/files/docpdf/frameworkconventionontourismethicsv417marchiylgo.pdf>

شرایط ممکن برای آموزش و آماده‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی و تکنیک‌های ارتباطی و برگزاری جشن روز جهانی گردشگری است.

حق گردشگری در پرتو حقوق اساسی بشر تعریف می‌شود. مهمترین موارد، حق استراحت و تفریح و فراغت در کنار مرخصی با حقوق^۱ و دیگری حق آزادی رفت و آمد^۲ است. مهمترین اصلی که بر مبنای آن، حقوق گردشگران توجیه می‌شود، حق آزادی رفت و آمد است. این حق اصل غیرقابل انکاری است که انسانها در رفت و آمد از جایی به جای دیگر از آزادی برخوردارند مگر اینکه اقتضات ضروری به رسمیت شناخته شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بهره‌مندی از چنین حقی را در موارد خاصی محدود سازد و در ادامه آنرا تشریح خواهیم کرد. تحقق حق تفریح و فراغت از جمله از طریق گردشگری، مستلزم تدوین و تبیین قوانین لازم در حقوق داخلی و مقررات و آئین‌نامه‌های مصوب کشورها می‌باشد و بند یک ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد تمامی کشورهای عضو را به شروع اتخاذ اقداماتی به سوی بهره‌مندی کامل هر کس از تمامی حقوق بشر شناسایی شده در میثاق، با سعی و اهتمام خود از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی و با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به خصوص با اقدامات قانون گذاری متعهد می‌سازد. کمیته در نظریه عمومی شماره ۳ بیان می‌دارد که اگر چه منابع در دسترس کافی نیست اما تعهد کشورها به سعی و اهتمام در تضمین بالاترین حد ممکن از برخورداری از حقوق مرتبط تحت شرایط حاکم باقی می‌ماند. این سعی و اهتمام از طریق اتخاذ و تصویب اقداماتی قانونی اتخاذ می‌شود^۳

این حقوق مانع از انجام تکالیف قانونی مربوط به ضوابط ورود و خروج از یک کشور به کشور دیگر نیست. به عبارت دیگر، شناسایی اصل حق، ملازمه‌ای با اسقاط الزامات قانونی آن ندارد. نظریه معتبر و غالب در مورد حق رفت و آمد گردشگران، آزادی ورود آنان با لحاظ کردن مصالح کشور است. این نظریه از سوی مؤسسه حقوق بین‌الملل عنوان شد. مطابق این نظریه هر چند اصل بر آزادی ورود و اقامت بیگانه است ولی این اصل به طور مطلق و بدون قید و شرط نمی‌تواند از طرف دولت‌ها پذیرفته شود زیرا هر دولتی باید تا حدودی به اصول بین‌المللی احترام بگذارد که به امنیت و نظم عمومی جامعه خود لطمه‌ای وارد ننماید و چون نظم عمومی به ارزش‌های مورد پذیرش در هر جامعه‌ای بستگی دارد و این هنجارها از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت است لذا قیود و شروط و محدودیت‌ها در همه کشورها یکسان نیست (غریبه، ۱۳۹۰: ۱۲۱). بنابراین شناسایی این حق برای گردشگران خارجی با چالش‌هایی مواجه است. نخست این که گردشگر خارجی، تا پیش از ورود به کشور هنوز تحت صلاحیت دولت مقصد قرار نگرفته و ضرورتاً از حمایت‌های حقوق بشری وی بهره‌مند نمی‌شود. بنابراین تحقق حقوق بشری وی از سوی دولت مقصد، منوط به ورود به آن کشور

^۱ The right to rest, leisure, and paid leave.

^۲ The right to freedom of movement.

^۳ Human Rights Committee, 1990, paras 3 and 11.

است. در ثانی، ورود به کشور مطابق عرف بین‌المللی، یک حق ضروری بشری برای اتباع خارجی به حساب نمی‌آید. بند ۴ ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز تنها به «حق ورود به کشور خود» اشاره دارد و نه کشور دیگر و «حق ترک کشور خود» به موجب بند ۲ این ماده، با حق ورود به کشور دیگر، ملازمه‌ای ندارد و مستلزم طی تشریفات قانونی و کسب اجازه مقامات ذیصلاح کشور مقصد است. در واقع مانند بسیاری حقوق دیگر، بهره‌مندی از یک حق به ویژه برای اتباع خارجی ممکن است با صلاحیت‌های ناشی از حاکمیت ملی یک کشور در تعارض باشد. بنابراین بیگانگان در وهله اول چنین حقی ندارند و صلاحیت دولت نیز اختیاری است. البته بدیهی است که اینان نیز پس از صدور ویزا اجازه ورود خواهند داشت (محللاتی، ۱۳۸۰، ۲۵)؛ اما این که چنین «اجازه‌ای» موجد حق است یا خیر، بحث دیگری است. حقوق بین‌الملل، در این موارد همچنان از موضع حاکمیتی دولت‌ها حمایت می‌کند و آنها را قادر می‌سازد نسبت به تجویز یا منع ورود هر یک از اتباع خارجی تحت هر عنوانی از جمله گردشگر یا غیر آن، تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند. کمیته حقوق بشر تأکید کرده است که زمینه‌های قانونی محدودسازی ورود افراد به کشور، باید مورد به مورد و در چارچوب اصول و موازین حقوق بشری ارزیابی شود.^۱ رأی دادگاه فدرال آمریکا درباره فرمان مهاجرتی رئیس جمهور آمریکا نیز روشن ساخت که دولت‌ها باید نسبت به هر یک از متقاضیان ورود به سرزمین خود، مستقلاً و بدون پیش‌داوری و ایجاد تبعیض از حیث ملیت، نژاد، مذهب و... تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند و به طور دقیق، منافع عمومی را تبیین نمایند.^۲ باوجوداین، ملاحظات اقتصادی به منظور جذب گردشگر، دولت‌ها را به حداقل سخت‌گیری در صدور اجازه ورود واداشته است. از نظر حقوق بین‌الملل، در روابط بین کشورها هیچ صلاحیتی بالاتر از حاکمیت دولت وجود ندارد ولی آنها به جهت منافع خود یا قبول تعهداتی، حاکمیت خود را محدود می‌سازند. حمایت بین‌المللی از حق گردشگری ملازمه با کم‌رنگ شدن اصل عدم مداخله در امور کشورها دارد. لکن حقیقت امر این است که در عالم واقع تعارضی دیده نمی‌شود، چراکه شناسایی حق گردشگری به دلیل اشتغال زایی و تولید ثروت در جهت منفعت دولت است و دولت‌ها نیز حاکمیت خود را در جهت منافع مملکت اعمال می‌کنند (غریبه، ۱۳۹۰: ۱۲۱). این بدین معناست که دولت‌ها خود در به رسمیت شناختن حق گردشگری اعمال حاکمیت نموده‌اند.

اصول حاکم بر حقوق گردشگر خارجی

تنها سند بین‌المللی که در ارتباط با حقوق گردشگری توسط مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی مورد تصویب قرار گرفته است، اصول اخلاقی جهانگردی، سندی غیرالزام‌آور می‌باشد. هر چند که دولت‌ها به صورت داوطلبانه قواعد مربوط به آن را رعایت می‌نمایند. عدم وجود قواعد الزام‌آور در عرصه بین‌المللی باعث شده است که معدود قواعد مربوط به حقوق گردشگری تحت

^۱ Human Rights Committee, 1999, para 16.

^۲ UNITED STATES COURT OF APPEALS, 2017. Para434.

عنوان حقوق نرم مورد شناسایی قرارگیرد. در حال حاضر برخی حقوقدانانی که در زمینه حقوق گردشگری فعالیت دارند با استفاده از قوانین داخلی کشورها به مطالعات تطبیقی در این رشته پرداخته و مقدمات رشد و توسعه آن را فراهم می‌آورند. اهمیت مطالعات تطبیقی زمانی مشخص می‌گردد که با استفاده از مطالعات موصوف، زمینه‌های ورود قوانین داخلی کشورها با موضوعات گردشگری به عرصه بین‌الملل و به دنبال آن ایجاد یک سند الزام‌آور بین‌المللی ایجاد خواهد شد (خدابخش و زمانی، ۱۳۹۵: ۷). سازمان جهانی گردشگری نیز طی فراخوانی جهت گردآوری قوانین داخلی کشورها در زمینه گردشگری دعوت بعمل آورده است تا در جهت تدوین قوانین الزام‌آور در سطح بین‌الملل قدمی برداشته شود.

به طور کلی می‌توان گفت که ایجاد یک سند الزام‌آور بین‌المللی علاوه بر انجام مطالعات گسترده و جامع، نیازمند اجماع بازیگران بین‌المللی است که با وجود شرایطی که در حال حاضر بر صنعت گردشگری جهانی حاکم است و همچنین رشد روزافزون ورود گردشگران خارجی به کشورها، به نظر می‌رسد چنین اجماعی دور از ذهن نباشد چرا که تمام کشورهای میزبان و کشورهای که اتباعشان تحت عنوان گردشگر به سایر نقاط جهان سفر می‌کنند به اهمیت وجود قواعد بین‌المللی در حوزه گردشگری پی برده‌اند. عضویت کشورها و سازمانهای مختلف در سازمان جهانی گردشگری خود نشان از تمایل جهانی برای نظام مند کردن قواعد حاکم بر صنعت گردشگری به طور عام دارد لذا لازم است، سازمان جهانی گردشگری از توان اعضای خود جهت ایجاد یک نظم نوین بین‌المللی در عرصه گردشگری استفاده نماید (خدابخش و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۵). باوجود فقدان یک سند خاص مرتبط، برخی اصول حقوق بین‌الملل را می‌توان بر حقوق گردشگر خارجی حاکم دانست. این اصول عمدتاً ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی هستند.

نخستین نکته در شناخت حقوق گردشگر خارجی این است که با پذیرش رویکرد «حقوق بنیادین» گزاره‌های مربوط نیز به حوزه حقوق گردشگری وارد می‌شود. به طور خاص، وصف عام‌الشمول^۱ تعهدات حقوق بشری، هم از جهت الزامات و هم از حیث مسئولیت بین‌المللی دولت، بر حقوق گردشگر خارجی سایه می‌افکند. بدین ترتیب تعهدات دولت میزبان نسبت به حقوق بنیادینی نظیر حق حیات که به آنها اشاره شد، تعهداتی در برابر همه جامعه بین‌المللی است و قصور یا نقض آنها نیز موجب مسئولیت در برابر جامعه بین‌المللی در کل خواهد بود. چرا که همانگونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا ترکشن میان تعهدات دو جانبه و تعهدات عام‌الشمول، قائل به تفکیک شد؛ اکنون حقوق بین‌الملل مدرن، تعهدات حقوق بشری را از نوع دوم برمی‌شمارد. در نتیجه همانطور که ماده ۴۸ طرح مواد راجع به مسئولیت^۲ نیز اشاره دارد؛ نقض چنین تعهداتی به

^۱ Erga Omnes

^۲ ماده ۴۸: استناد به مسئولیت توسط دولتی جز دولت زیان‌دیده: هر دولتی جز دولت زیان‌دیده حق دارد مطابق بند ۲ به مسئولیت دولت دیگر استناد کند اگر: الف) تعهد نقض شده در برابر جامعه بین‌المللی در کل باشد
ماده ۵۰: تعهداتی که توسط اقدامات متقابل متاثر نمی‌گردند: اقدامات متقابل نباید موارد ذیل را متاثر سازند: ... ب) تعهدات حفظ حقوق بنیادین بشر

منافع «جامعه بین‌المللی در کل» ضرر می‌رساند و همه اعضای جامعه را به طور غیرمستقیم مستحق مطالبه مسئولیت ناشی از این نقض می‌سازد.

اصل دیگری که در حقوق بین‌الملل ممکن است بر تحقق حق بر گردشگری افراد، تأثیرات مثبت یا منفی بگذارد، اصل رفتار متقابل است. اصل رفتار متقابل در معنای موسع خود، مستلزم آن است که دولت‌ها در برابر هر اقدام نامطلوب یکدیگر، با هدف تغییر و اصلاح رفتار نامطلوب نسبت به خود، واکنش مناسب نشان دهند. گاهی اقدام نامطلوب اولیه، یک تخلف از حقوق بین‌الملل است که با تخلفی دیگر پاسخ داده می‌شود. در این حالت، رفتار واکنشی دیگر متخلفانه محسوب نخواهد شد؛ تا زمانی که رفتار اولیه اصلاح شود. گاهی نیز اقدام نامطلوب اولیه، تخلف از حقوق بین‌الملل نیست و تنها با نزاکت و اخلاق بین‌المللی ناسازگار است؛ و از این جهت با واکنش طرف زیان‌دیده روبرو می‌شود. سخت‌گیری نسبت به صدور روایید یا رفتار با گردشگران یک کشور خاص از جمله رفتارهای نامطلوبی است که گاه ممکن است نقض حقوق بین‌الملل نیز تلقی شود. در این موارد، واکنش کشور زیان‌دیده تابع اصل تناسب خواهد بود. در عین حال، پاراگراف ب بند یک ماده ۵۰ طرح مواد راجع به مسئولیت، اجازه نقض حقوق بنیادین بشر را ولو در برابر یک نقض دیگر، نمی‌دهد. بدین ترتیب، اگرچه ممکن است در برابر استنکاف کشور الف از صدور روایید برای گردشگران کشور ب، آن کشور نیز صدور روایید را متوقف سازد؛ اما نقض حقوق بنیادین اتباع ب مستقر در سرزمین الف را نمی‌توان با نقض حقوق بنیادین اتباع الف در سرزمین ب پاسخ داد. برای مثال، زمانی که دولت آمریکا در سال ۲۰۱۷ روایید شهروندان هفت کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران را ملغی کرد، وزیر امور خارجه ایران به طور غیررسمی، بیان داشت رواییدی که پیشتر صادرشده، همچنان معتبر خواهد بود.^۱

در بیانیه وزارت امور خارجه ایران یادآوری شده بود که ایران «برای حمایت از حقوق شهروندان خود تا زمان برطرف شدن محدودیت‌های توهین‌آمیز ایالات متحده علیه اتباع ایران، اصل عمل متقابل را اجرا می‌نماید... تصمیم اخیر ایالات متحده شامل توقعاتی غیرقانونی، خلاف منطق و مغایر با حقوق بین‌الملل است».^۲

اصل آزادی، از دیگر اصول بنیادی حقوق بین‌الملل بشر است که در حقوق گردشگری نیز حاکم خواهد بود. این اصل، به عنوان یک پایه غیرقابل انکار، جنبش‌های حقوق بشری را در سطوح ملی و بین‌المللی پشتیبانی کرده است. همانگونه که ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر آزاد زاده‌شدن انسان تأکید دارد و اساساً حمایت از «آزادی»، از مهمترین اهداف نظامهای حقوقی مدرن و به ویژه حقوق بین‌الملل پساملل متحد است. باوجود این، هر یک از آزادیهای مصرح در اسناد حقوقی بین‌المللی، ممکن است مقید به موازین خاصی باشند. از جمله آزادی رفت و آمد در ماده ۱۲ میثاق

^۱ http://shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?News_Id=90596&V_News_Id=&Src=Main

^۲ <http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=128&newsview=436944>

حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است اما مطابق بند ۳ این ماده «حقوق مذکور فوق تابع هیچ گونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیتهایی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی - نظم عمومی - سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.» به نظر کمیته حقوق بشر ملل متحد، چنانچه این محدودیتها تابع قانون نباشد یا به هر علت دیگری با بند ۳ فوق انطباق نداشته باشد، نقض ماده ۱۲ محسوب خواهد شد.^۱

همچنین محدودیتها نباید با ذات و اقتضای این حق، ناسازگار باشد؛ در واقع رابطه میان آزادی و محدودیتها، رابطه اصل و استثناست. بنابراین معیارهای محدودیتها نیز باید دقیق در قانون تعیین شده و به صلاحدید مقامات اجرایی واگذار نشود و لازم است محدودیت برای نیل به یکی از اهداف بند ۳ ماده ۱۲ «ضروری» و برای این منظور «متناسب» باشد.^۲ اصل منع هرگونه تبعیض نیز در ارزیابی مورد به مورد متقاضیان ورود به یک کشور باید رعایت شود.^۳ این اصل، اکنون یک قاعده مهم در تضمین تمامی حقوق بنیادین محسوب می‌شود.

تجزیه و تحلیل: حقوق گردشگر خارجی به عنوان تبعه بیگانه

گردشگر خارجی از دو منظر موضوع حقوق بین‌المللی است. نخست از این جهت که یک بیگانه است و برابر حقوق بین‌الملل عام و قراردادهای دوجانبه از حقوق و امتیازاتی بهره‌مند می‌شود. از این حیث، وضعیت وی به عنوان بیگانه، موضوع مقررات داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی نیز هست، اما این مقررات تابع تعهدات بین‌المللی هر دولت هستند. دوم از این حیث که به عنوان یک «گردشگر» مزایای خاصی به وی تعلق می‌گیرد. اگرچه گاهی تفکیک میان این دو حیث، بسیار مشکل است، تفکیک حاضر مطالعه این حقوق را تسهیل می‌کند. باید این نکته را نیز تذکر داد که حقوق شناسایی شده به موجب معاهدات دو یا چند جانبه‌ای که اصطلاحاً حقوق بین‌الملل خاص^۴، نامیده می‌شوند نیز از موضوع پژوهش حاضر خارج است. برای مثال، بسیاری از دولت‌ها به موجب معاهدات دوجانبه، مزایای کنسولی یا لغو روادید را میان خود برقرار کرده‌اند. چنین مزایا و حقوقی از آنجا که فقط در روابط میان کشورهای عضو همان معاهده و در چارچوب موضوع و هدف معاهده ذیربط، قابل اعمال است؛ نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای حق گردشگران به طور عام محسوب شود.

^۱ Human Rights Committee, 1999: para 12

^۲ Human Rights Committee, 1999: paras 13-15

^۳ Human Rights Committee, 1999: para 18

^۴ <https://malekpour.ir>

۱. حقوق بنیادین

حقوق بین‌الملل از مرحله نفی "حقوق بیگانگان" و حداقل حقوق ضروری حیات گذشته است و تردیدی وجود ندارد که حقوق بنیادین و آزادیهای اساسی آنچنان که در اسناد بین‌المللی شناسایی شده‌است، در مورد همه افرادی که تحت صلاحیت یک دولت هستند، از جمله گردشگران لازم‌الرعایه است. با وجود این، برخی حقوق ویژگی خاصی دارند که آنها را به یک جامعه و دولت معین پیوند می‌دهد. به طور مشخص ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نظیر ماده ۲۱ اعلامیه جهانی با قید «کشور خود»، بیگانگان را از مشارکت در فرایندهای سیاسی و نیز تصدی سمتهای عمومی محروم می‌کند. طبیعی است که این محدودیت شامل بیگانگان مقیم و غیرمقیم (نظیر گردشگران خارجی) می‌شود و ایشان حق نامزدی یا رأی دادن در انتخابات را نخواهند داشت.

مسأله حمایت از حقوق بیگانگان در چارچوب نظام بین‌المللی، موضوعی جدید نیست؛ بلکه یکی از مبانی حقوق مسئولیت بین‌المللی محسوب می‌شود و در قالب نظریه «حمایت دیپلماتیک» تجلی یافته است؛ اما آنچه نسبتاً جدیدتر است، شناسایی حقوق بنیادین برای بیگانگان است. مطابق ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت شان» بدون هرگونه تبعیض از جمله از حیث تابعیت، شناسایی و تضمین نمایند. بنابراین گردشگر خارجی از حقوقی نظیر حق حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری، آزادی و امنیت شخصی، رفتار انسانی در صورت بازداشت، آزادی رفت و آمد، تساوی در برابر دادگاه و رعایت موازین حقوق بشری در دادرسی، قانونی بودن جرم و مجازات، حریم خصوصی، آزادی فکر، وجدان و مذهب، منع تفتیش عقیده، آزادی بیان و اطلاعات و حق تشکیل خانواده، همگی در چارچوب‌های شناسایی شده در میثاق و دیگر اسناد بین‌المللی و در قالب قوانین داخلی دولت مقصد، بهره‌مند می‌شود.

ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی به منظور حمایت از حقوق قضایی بیگانگان، حق دسترسی مقامات کنسولی به متهم و حق برخورداری از مترجم و دیگر تضمینات دادرسی مبتنی بر حاکمیت قانون را به دولت‌ها تحمیل کرده‌است. اعلامیه سازمان ملل راجع به حقوق بشر اتباع بیگانه (از جمله گردشگران خارجی) پذیرفته شده توسط قطعنامه ۴۰/۱۴۴ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ تأکید می‌کند: «حق دسترسی به مقام کنسولی دولت متبوع همانند حق مطلع شدن از این حق از جمله حقوق فردی تبعه خارجی بوده و به عنوان حقوق بشر بیگانگان تلقی می‌گردد.» از آنجا که گردشگران خارجی به علت مدت کوتاه حضور در یک کشور، ممکن است آشنایی دقیقی با فرهنگ و قوانین کشور مقصد نداشته‌باشند، چنین حمایت‌هایی از آنها ضروری است و دسترسی به مقامات کنسولی کشور مبدا در چارچوب معاهدات دیپلماتیک و کنسولی، در بند ۲ ماده ۱۱ «پیش‌نویس» مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین اگرچه قاعده «جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست»، در مورد این اشخاص نیز حاکم است؛ اما جهل موضوعی و نیز جهل به عوامل مشدده، ممکن است در تعیین

واکنش کیفری لحاظ شوند (شاکری، ۱۳۹۴: ۸). در حقوق ایران، ماده ۱۲ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴ وزارت امور خارجه و برخی دستگاه‌های اجرایی دیگر را مکلف نموده که «اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شؤن اسلامی آگاه کنند.» ممکن است از این ماده چنین استنباط شود که اصل مزبور نسبت به اتباع خارجی قابل استناد نیست، مگر آن که ادله‌ای مبنی بر آگاهی وی از برخی قوانین خاص مجری در جامعه ایران وجود داشته باشد. پیشگیری از بازداشت بی‌دلیل، معمولاً مستلزم اصلاح نگرش‌های فرهنگی به گردشگران و بیگانگان است. در همین راستا مطابق بند ۴ ماده یک کد جهانی، دولت‌ها باید با توجه به آسیب‌پذیری‌های خاص جهانگردان توجه خاصی نسبت به حفظ امنیت آنان معطوف دارند.

آزادی رفت و آمد گردشگران نیز طبق ماده ۱۱ پیش‌نویس، معطوف به آزادی جابجایی داخل سرزمین مقصد و در چارچوب حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی آن کشور است. همچنین گردشگران خارجی از حقوق مندرج در ماده ۱۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز بهره‌مند خواهند شد. مطابق این ماده «بیگانه‌ای که قانوناً در قلمرو یک دولت طرف این میثاق باشد فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موجهاً اعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب بخصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌ای که به این منظور تعیین می‌کند رسیدگی شود.» دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیالو (گینه علیه کنگو)، تأکید نمود که چنین اخراجی باید به استناد قانون و با طی تشریفات قانونی، انجام شود و چنین قانونی باید در چارچوب حقوق بین‌الملل، وضع و تفسیر شود.^۱ بند ۲ ماده ۱۱ مزبور نیز به حق گردشگران برای دسترسی به انواع ارتباطات، خدمات اداری، قضایی و بهداشتی محلی تصریح دارد و برابر بند ۳ این ماده، گردشگران باید در خصوص محرمانگی داده‌ها و اطلاعات مربوط به خودشان، از حقوقی نظیر حقوق شهروندان کشور محل بازدید برخوردار باشند. گردشگران خارجی همچنین طبق بند ۳ ماده ۶ کد اخلاقی، چه آنها که بمنظور انجام فرائض دینی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند و چه در مسافرت‌هایی با هدف‌های دیگر، مشمول حق آزادی مذهب می‌باشند. طبق بند ۴ ماده ۶ کد جهانی اخلاق گردشگری، مقامات کشورهای صادرکننده و کشورهای میزبان گردشگران، باید با همکاری مراکز تخصصی یا اتحادیه‌ها و انجمن‌های مربوط تضمین کنند که در صورت ورشکستگی هر یک از موسسات مسافرتی، جهانگردانی که از طریق این مؤسسات سفر کرده‌اند، بتوانند به کشورهای خود بازگردند. مطابق بند ۶ همین ماده نیز حق دسترسی و استفاده از مطبوعات به‌ویژه مطبوعات تخصصی گردشگری و سایر رسانه‌ها از جمله وسایل الکترونیکی نوین برای گردشگران خارجی شناسایی شده است.

^۱ ICJ, 2010: para 70.

۲. حقوق ویژه مرتبط با گردشگری

به جز حقوق بنیادینی نظیر حق بر امنیت و آزادی، حقوقی نیز وجود دارد که مرتبط با فرایند گردشگری است و به تسهیل گردشگری و بهره‌مندی گردشگر از تمام مزایای سفر، کمک می‌کند. حق دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، به ویژه در مورد مکان‌ها و مسیرهای گردشگری، از جمله این حقوق است که در بند یک ماده ۶ کد اخلاق جهانگردی پیش‌بینی شده است. براساس قسمت ذیل بند یک ماده ۶ کد جهانی، دولت‌های میزبان باید تضمین کنند که شرایط قید شده در قراردادهایی که سازمان‌های عمومی و خصوصی جهانگردی به مشتریان خود پیشنهاد می‌دهند از لحاظ نوع، کیفیت خدمات تعهد شده و نیز در مورد خسارت قابل پرداخت در صورت فسخ یک‌جانبه قرارداد به نحو کامل و روشن واجد صحت و تخلف از آن مایه مسوولیت و پرداخت خسارت است. طبق ذیل بند یک ماده هشت کد جهانی، جهانگردان باید بتوانند بدون آنکه مقررات اضافی بر آنها تحمیل گردد یا اینکه مورد تبعیض قرار گیرند، به محل‌های عبور موقت و اقامت و همچنین مکان‌های فرهنگی و جهانگردی دسترسی داشته باشند. براساس صدور بند دو ماده هشت کد جهانی اخلاق جهانگردی، جهانگردان باید به تمامی انواع وسایل ارتباطی موجود درون مرزی یا برون مرزی دسترسی داشته باشند. طبق ذیل بند دو ماده هشت جهانگردان باید بتوانند در اسرع وقت و به سهولت با مراجع اداری، حقوقی و بهداشتی محلی تماس گرفته و از خدمات آنان بهره‌مند شوند. همچنین آنها باید بتوانند طبق معاهده‌های سیاسی لازم‌الاجرا از آزادی برخوردار باشند تا با نمایندگی‌های کنسولی کشور متبوع خود ارتباط برقرار کنند.

طبق بند چهار ماده هشت کد جهانی، تشریفات اداری مربوط به گذر از مرزها و تشریفات مرزی که براساس قوانین کشوری یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی انجام می‌شوند مانند موارد یا مقررات بهداشتی گمرکی باید در حد امکان به گونه‌ای تعدیل شوند که این امر بتواند آزادی مسافرت و دسترسی گسترده به جهانگردی در سطح بین‌المللی را به حداکثر برساند. همچنین باید برای هماهنگ‌سازی و تسهیل این‌گونه تشریفات از طریق موافقت با سایر کشورها و معاهده‌های همه‌جانبه گروهی بین‌المللی مالیات‌های خاص و مالیات‌بندی به‌صورتی که مانع رشد صنعت جهانگردی شده به تدریج حذف یا اصلاح شود. مطابق بند ۵ ماده هشت کد جهانی اخلاق جهانگردی برای جهانگردان باید تا حدی که وضعیت اقتصادی کشورشان به آنان اجازه می‌دهد، بتوانند به ارزهای قابل تبدیل مورد نیاز برای سفر خود دسترسی داشته باشند.

براساس بند ۵ ماده شش کد جهانی، دولت‌ها هم حق و هم وظیفه دارند به‌ویژه در هنگام وقوع بحران، اتباع خود را از مشکلات و خطراتی که ممکن است در حین سفر به خارج از کشور با آنها مواجه شوند، آگاه سازند و در عین حال وظیفه دارند چنین اطلاعاتی را به دور از هرگونه غرض‌ورزی و اغراق منتشر سازند تا به صنعت جهانگردی کشورهای میزبان و همچنین منافع تورگردانان

کشورشان آسیبی وارد نشود. برخی از حقوق فوق، مستلزم تکالیفی است که برعهده سرویس‌های مسافرتی است و دولت مکلف است تضمینات کافی را در این زمینه فراهم نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گردشگری، یکی از مهمترین منابع اقتصادی کشورهاست، اما نمی‌توان رونق آن را نظیر هر صنعت دیگر، بدون وجود پشتوانه‌های نظری و عملی کافی به ویژه از حیث قانونی انتظار داشت. حقوق بین‌الملل به عنوان نظام حقوقی حاکم بر رفتار بازیگران بین‌المللی، دولت‌ها را متعهد می‌سازد در رفتار با اشخاص - اعم از اتباع و بیگانگان - استانداردهای حقوقی خاصی را رعایت کنند و این تعهدات شامل تعهداتی درباره رفتار با گردشگران خارجی نیز می‌شود. نظام بین‌المللی حقوق بشر، تلویحاً استفاده از تفریح شامل گردشگری را به عنوان یک حق ضروری برای سلامت و کرامت انسان به رسمیت می‌شناسد و توسعه امکانات حمل و نقل در کنار پذیرش اصل آزادی اراده انسان و آزادی رفت و آمد، این فرصت را فراهم ساخته است تا بتوان مدعی اثبات حقی به نام گردشگری بین‌المللی شد که طی آن گردشگر خارجی، حق دارد از کشورهای دیگر بازدید و در فرهنگ و اقتصاد ایشان مشارکت نماید. باوجود این، همچنان دولت‌ها برای حفظ امنیت خود می‌توانند نسبت به کنترل ورود و خروج از/به مرزها اقدام نمایند اما این کنترل باید با در نظر داشتن «اصل آزادی» و بدون تبعیض به عمل آید. در همین چارچوب، برخی حقوق بین‌الملل نظیر رفتار متقابل، تناسب، ضرورت و حمایت فراگیر از حقوق بنیادین نیز به کار می‌آیند. با این وصف، حقوق بین‌الملل بشر، گردشگر خارجی را به عنوان یک بیگانه بهره‌مند از کلیه حقوق و آزادی‌های بنیادین فرض می‌گیرد، به جز آن دسته از حقوق سیاسی و مشارکتی از قبیل حق رأی و کاندید شدن برای انتخابات که مربوط به جامعه ملی خاصی است. همچنین حقوقی همانند حقوق مطرح شده ذیل پیش نویس کد جهانی اخلاق گردشگری مبنی بر آزادی جابجایی گردشگران، حق ترافع قضایی، حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، خدمات اداری و قضایی و بهداشتی، ارزهای مورد نیاز و اطلاع از مخاطرات سفر در اسناد غیرالزامی پیش‌بینی شده است که انتظار می‌رود در آینده به صورت یک معاهده لازم‌الاجرا درآید.

پیشنهاد محققان آن است که در کشورمان قوانین حمایتی مشخصی به عنوان حق مستقل و مجزا از سایر حقوق با تکیه به تعهدات بین‌المللی و اخلاقی و با استفاده از مدل‌های مطرح شده در قوانین استاندارد نسبت به گردشگران خارجی شناسایی، بومی‌سازی و وضع گردد تا ضمن مصون ماندن از مسئولیت حقوقی بین‌المللی، زمینه جذب بیشتر گردشگران خارجی فراهم شود.

منابع

۱. اسدزاده، علی و خلیلی، عاطفه (۱۳۹۴). حقوق در گردشگری با توجه به رویکرد جامعه بین‌الملل و همبستگی ملل، دومین همایش ملی گردشگری سرمایه ملی و چشم‌انداز آینده، تهران.
 ۲. تودارو، مایکل (۱۳۶۴). توسعه اقتصادی در جهان سوم، سازمان برنامه و بودجه.
 ۳. حاجی زاده، مهدی؛ حاجی زاده، عبدالحسین و آقاجانی، موسی (۱۳۹۲). گردشگری و حقوق گردشگری، دومین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران، همدان.
 ۴. خدابخش، رضا و زمانی، جواد (۱۳۹۵). درآمدی بر حقوق گردشگری، دومین همایش ملی گردشگری سرمایه ملی و چشم‌انداز آینده، تهران.
 ۵. شاکری، ابوالحسن و بابایی شاهاندشتی، سید بهامین (۱۳۹۴). تأثیر جهل بر مسئولیت‌کیفری گردشگر خارجی، دومین همایش ملی گردشگری، سرمایه ملی و چشم‌انداز آینده، تهران.
 ۶. غریبه، علی (۱۳۹۰). حق گردشگری و حقوق عمومی گردشگران خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، دوره ۱۱، شماره ۳۱: ۲۰۸-۱۸۵.
 ۷. کیان‌مهر، محمود (۱۳۷۲). نگرشی به صنعت گردشگری، فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۳، شماره ۱۲: ۵۱-۴۱.
 ۸. گی، چاک، وای، و سولا، ادوارد و فایو (۱۳۷۷). جهانگردی در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش فرهنگی، چاپ اول، تهران.
 ۹. میرمحمد علی تجربیشی، پریسا (۱۳۹۴). نگاهی به حقوق گردشگری با تأکید بر حقوق بشر، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین در علوم انسانی، تهران، ۴ دی ماه.
 ۱۰. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
 11. Richardsa, D. and Carbonettib, B. (2012). Worth what we decide: A defence of the right leisure, **The International Journal of Human Rights**, 7(3): 1-12.
 12. Zadvydias V. D. (2001). 553 US 678 , 693 , available at: <https://www.un.org>
 13. UN. GARO (1948). **Universal Declaration of Human Rights**, pbml . – art.7-11, 19 -20 – (1) , G.A.Res.217A(III) , 3d Sess. , at 71. UN. Dev.A/810 available at :
 14. <https://www.un.org>
- و آراء قضایی: اسناد
15. ICJ (2010). Ahmadou Sadio Diallo (Republique De Guinee C. Reupublique Democratique Du Congo), Judgement.
 16. Human Rights Committee (1999). CCPR General Comment No. 27: Article 12 (Freedom of Movement).
 17. United States Court of Appeals (2017). State of Washington; State of Minnesota, V. Donald J. Trump, President of The United States; U.S. Department Of Homeland Security; Rex W. Tillerson, Secretary of State; John F. Kelly, Secretary of The Department of Homeland Security; United States of America, Order, No. 17-35105.
 18. UNWTO (1999). **Global Code of Ethics for Tourism**.
 19. UNWTO (2017). **Framework Convention on Tourism Ethics**.